



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز



تحریم سینمای ایران توسط جشنواره فیلم برلین

## عروج ایران از دخمه مریوان

خود را در همین رضایت مخاطب از خدا گرفته‌ام.  
**آیا برای شرکت در جشنواره و یا اجرای نمایش آخرین نامه به مشکل برخوردید؟**

بله، خیل زیادی از همکاران خودمان به صراحت از ما خواستند که جشنواره را تحریم کنیم، تحرکات این دوستان باعث شد این نمایش در اجرای عموم شکست خورده و از نظر مالی متضرر شویم.

### نظر خودتان درباره تحریم هنر در این شرایط چیست؟

من حتی اگر معترض هم باشم، نمی‌توانم اعتراض را در وسط خیابان یا شعار دادن نشان دهم، رسالت من در هنرمند خلاصه می‌شود، کار من نشان دادن درونیات و اعتراضات ام بر روی صحنه نمایش است. کما اینکه شنیده‌ام این دوستان در حالی از ما می‌خواهند کار نکنیم که خودشان برای کشورهای همسایه در حال تولید اثر هستند. هنرمندان ارائه هنرش در جامعه علاوه بر کسب درآمد، به تخلیه روانی می‌رسد، بنابراین این دوستان یا هنرمندان نیستند یا راه‌های دیگری را برای درآمد و تخلیه روانی خود پیدا کرده‌اند! جشنواره تنها ساختاری است که طی آن هنرمندان شهرستانی از سراسر ایران در یک محیط صمیمانه تجربیات خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند، من شخصا به امید کسب تجربه بیشتر و برای دیدن نمایش‌های درخشان به این فستیوال می‌آیم، زمانی که هنرمندان کاربرد به هر دلیلی میدان صحنه را خالی می‌کنند، به تئاتر کشور آسیب می‌زند، آسیبی که قابل ترمیم نیست و ما را سال‌ها به عقب بازمی‌گرداند.

### چرا تصمیم به نمایش با موضوع دفاع مقدس گرفته‌اید؟

من فرزند شهید هستم، پدرم را در حالی از دست دادم که ۹ ماهه بودم و تصویری از پدرم در یاد ندارم و تنها با خاطره و یادش زندگی می‌کنم. از امتیازات فرزند شاهد تا به حال هیچ استفاده‌ای نکردم. در سابقه کاری خود حتی یک کار سفارشی انجام نداده‌ام. این نمایش که اتفاقا با موضوع دفاع مقدس اجرا شد، یک کار کاملاً دلی برای آرامش خودم بود که آن را به پدرم تقدیم کردم... پدری که هرگز او را ندیدم.



عروج از این دخمه به اسطوره‌های بی‌بدیل تبدیل می‌شوند. در مجموع با نمایشنامه‌های درست و صحیح از ساختار نمایشی طرف هستیم که با یک کارگردانی و بازیگری به جاد در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود. یک نمایش رئالیستی که در ادامه مرزهای رئالیستی بودن خود را در ایجاد یک فضای گروتسک بدیع می‌شکند. نمایشی که ما را به کارگردانی و نمایشنامه نویسی ایران امیدوار می‌کند.

### مهسا بایرام زاده:

#### آخرین نامه، را به پدرم تقدیم کردم

#### انتخاب بازیگران برای این نمایش چگونه انجام شد؟

من اصلتاً اهل نقده و ساکن تبریز هستم، انتخاب بازیگران از میان هنرمندان تبریز و ترکیب عوامل اجرایی از میان هنرمندان شهرستان نقده انجام شد. بازیگر نقش اصلی همسرم حامد ترابی نهاد بودند که دراماتورژی این نمایش را نیز انجام دادند. همچنین رضا حسن پور، امیر مهروند و سهند سلیمان زاده از بازیگران خوب کار بودند.

#### اقبال مخاطب با اثر نمایشی شما چگونه بود؟

ارزشمندترین چیز برای من لبخند رضایت تماشاگر هنگام خروج از سالن بود که اتفاق افتاد تا جایی که حس می‌کنم جایزه اصلی و معنوی

سمیه نجفی خاتونی - نمایش «آخرین نامه» در نخستین روز برگزاری چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر روی صحنه رفت و با اقبال تماشاگران روبرو شد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار صبا با مهسا بایرام زاده کارگردان نمایش را به همراه تحلیلی از علیرضا حنیفی، پیشکسوت تئاتر درباره «آخرین نامه» می‌خوانید.

### علیرضا حنیفی:

#### سربازانی که باز نگشتند

در یک کلام اجرایی به اندازه دیدم، نمایش در دخمه‌ای می‌گذشت که به منطقه دیده‌بانی تبدیل شده بود، با تلی از کاغذهای انباشته که در طول نمایش به حجم آن‌ها اضافه می‌شد، کاغذهایی که دست آخر در پایان معلوم می‌شد نامه‌های عاشقانه سربازانی است که رفتند و هیچ‌گاه باز نگشتند. این کار از همه جهت در حفظ عناصر نمایشی و کارگردانی برای جذب مخاطب درست و به جا عمل کرد. طوری که مخاطب حس می‌کرد همراه نقش پردازان در دخمه‌ای زیر زمینی در دل کوه‌های مریوان گاهی به سوگ، گاهی به خنده و گاهی هم سرشار از ترس و احساس می‌شود. از مشخصات برجسته دیگر این نمایش که گویایی فضاسازی پر دقت کارگردان بود، پوشش گروه موسیقی بود که در لباس رزم کنار بازیگران نقش پردازانی خود را با نواهایی به جا و همسان روانه صحنه می‌کردند. این نمایش تقابلی پراحساس از سربازان داوطلب ساده را با فرمانده پایگاه به تصویر می‌کشید. فرمانده پایگاه شخصی به نام هزار بود که قبلاً از جنگ قاچاقچی بوده و با قاطر اجناسی مانند چای و خشکبار را از عراق به ایران می‌آورده است. که در جنگ تحت امر حاجی همان دخمه را که چشم‌در چشم دشمن است به پایگاه دیده‌بانی بدل می‌کند. در ادامه سلحشوری‌های از این فرمانده و سربازانش را در خط مقاومت شاهد هستیم که دیدنی است. کاراکترهای نمایش نمادی از تمامی اقوام ایرانی هستند که در گذرگاه



# شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق [shop.mci.ir](http://shop.mci.ir) و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir